

# گنجینه

گزیده بیانات حضرت آیت الله عابدینی

در برنامه تلویزیونی سروش آسمانی

۱۲ دی ماه ۱۳۹۹



سازمان مجرب قزوین

## اشاره

نشریه ذکر جمعه با هدف انتشار گزیده بیانات حضرت آیت الله عابدینی، نماینده محترم ولی فقیه در استان و امام جمعه قزوین، جمعه هر هفته به صورت الکترونیکی از طریق شبکه های اجتماعی ستاد نماز جمعه منتشر می گردد.

لازم به ذکر است متن بیانات امام جمعه محترم، با حذف و اضافات و ویرایش همراه است و سعی شده است جهت مطالعه و بهره جویی هرچه بهتر مخاطبین گرامی، اهم محورها ارائه گردد.



اعوذ بالله من الشيطان الرجيم  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد  
وآله الطاهرين، حسبنا الله و نعم الوكيل نعم  
المولى و نعم النصير.

## مصادیق تقوا چیست؟

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ  
مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره / آیه ۲۱)  
ای مردم! پروردگارتان که شما و پیشینیان شما را  
آفرید، پرستش کنید تا اهل تقوا شوید.  
تقوا چیزی جز انجام وظایف فردی و اجتماعی،  
خانوادگی، عبادی، امور مرتبط با خداوند متعال،  
انجام فعالیت‌های موثر سیاسی و اجتماعی در  
زمینه‌های مختلف و ... نیست و همه این‌ها  
یعنی تقوا.



امام صادق علیه السلام می‌فرماید: ... آن  
 لَا يَفْقِدُكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ وَلَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ».  
 (بحار الانوار ج ۶۷، ص ۲۸۵)

تقوا یعنی آنجا که خداوند دستور داده حاضر  
 باشی و تو را غایب نبیند، و آنجا که نهی کرده تو  
 را مشاهده نکند. لذا ما باید در هر جا بانگاه  
 تقوایی و با سرمایه تقوا و بادللی که نورانی شده  
 است به برکت تقوا حضور داشته باشیم.

## منبع تحصیل تقوا

منبع تأمین و تحصیل تقوا به رهنمود قرآن کریم،  
 عبادت است؛ یعنی این که انسان بکوشد بنده  
 خدا باشد، بنده هواهای نفسانی نباشد، بنده  
 این و آن، بنده خیالات و موهومات و آرزوها نباشد.  
 وقتی سنت‌ها و مسائل آباء و اجدادی برای  
 من مطرح است و خداوند یک چیزی می‌گوید





ولی من یک راه دیگری می‌روم، در واقع عبادت من بجای خدافت پای چیزهایی که قرار نبود برود. اگر من خیال پرست و قبیله پرست شدم، اگر من با روحیه ناسیونالیستی زندگی کردم، اگر من مال دنیا را پرستیدم و به پست و مقام اهتمام ورزیدم و آن را پرستیدم، همه این‌ها شرک می‌شود و این خلاف عبادت است.

به تعبیر دقیق‌تر این‌ها هم عبادت است ولی عبادت شیطان است. اگر کسی بگوید من به پول و مال دنیا توجه دارم و حتی حرام و حلال را رعایت نکردم برای این که پول بیشتری جمع کنم، این فرد شیطان را عبادت می‌کند. خداوند فرمود: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ»، بنی آدم مگر قرار نبود شیطان را پرستید؟ «إِنَّه لَكُمْ عَدُوٌّ مبین».

شیطان یعنی رفتن زیر بار دشمنی شیطان؛  
یعنی شیطان تو را نابود می‌کند و حیثیت تو را بر  
باد می‌دهد، استعداد تو را می‌خشکاند، کرامت  
انسانی تو را ضایع می‌کند. این کارها عبادت  
شیطان می‌شود. «وَأَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ  
مُسْتَقِيمٌ» یعنی همه آن‌ها را رها کنید، فقط و  
فقط بنده من باشید، این صراط مستقیم است؛  
همان که همیشه التماس می‌کنیم «اهدنا  
الصراط المستقیم».

صراط مستقیم چیست؟ دستِ رد زدن به هر  
گرایشی و به هر آنچه که غیر خداست و مُمَحَّض  
شدن در خواست خدا، مسیر و مقصد و رضایت  
الهی؛ این می‌شود عبادت.



## رابطه تقوا و عبادت

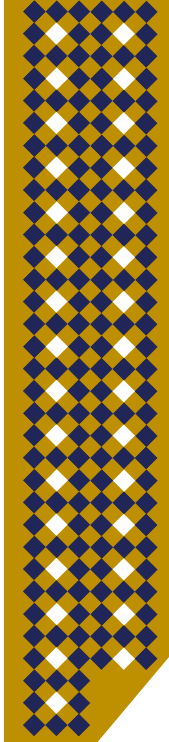
اگر ما بتوانیم سیره انبیاء و اولیاء الهی را که رهنمود قرآنی و نقشه خدائی است در زندگی خود پیاده کنیم در مسیر تقوا قرار می‌گیریم، یعنی عبادت می‌کنیم؛ هرچه که عبادت می‌کنیم نور تقوا تقویت می‌شود و هرچه قدر عبادت ما ضعیف باشد تقوای ما کم رنگ است. در قرآن کریم کمترین مرحله تقوا را خدا به ما نشان می‌دهد و می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره / آیه ۲) یعنی آن‌هایی که کمترین اندازه تقوا را هم دارند از کتاب می‌توانند استفاده کنند. در جایی دیگر می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (تغابن / آیه ۱۶) یعنی هرچه می‌توانید تقوای خودتان را بالا ببرید. همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:



«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران / آیه ۱۰۲)،  
یعنی بکوشید که آنچه که شایسته تقواست را  
داشته باشید و به حد اعلی برسیم.

## مراحل دستیابی به حد اعلی تقوا

قرآن کریم مرحله به مرحله بنده خدا را هدایت  
می کند به مراحل بالاتر این پدیده ارزشمند  
و ملکوتی تقوا، تا آنجا که می فرماید هرچه  
می توانید تقوا تحصیل کنید. در جایی دیگر  
می فرماید در حدی که شایسته مقام تقواست  
به تقوا توجه کنید، «إِتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ». در  
مرحله بالاتری می فرماید دعا کنید «وَالَّذِينَ  
يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ  
أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان / آیه  
۷۴) یعنی نه تنها من تقوا داشته باشم، بلکه



اهل تقوا را رهبری و امامت کنم؛ همچون سردار سلیمانی. اهل تقوا دنبال او می‌روند و از او کسب تقوا، نور و معنویت می‌کنند.

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت / آیه ۶۹)، جایزه تلاش کسانی است که در کسب تقوا جهاد می‌کنند. یک وقت جهاد، جنگ و دفاع مقدس و دفاع از حرم است، یک وقت جهاد بیداری نیمه شب و راز و نیاز با خداست؛ با خواب خودش می‌جنگد، با هرچه بدی است می‌جنگد، با شیطان می‌جنگد، با هوای نفس مبارزه می‌کند. هر کس که در راه خدا جهاد می‌کند خدا همواره درهای جدید به روی او باز می‌کند و راه‌های جدید به او نشان می‌دهد.

## مدیریت روح

آدم به خواب و خوراک و رفاه و آسایش خودش اهمیت می‌دهد، چرا که بین خواسته‌های جسمانی و شایستگی‌های روحانی و مصالح روح انسان درگیری وجود دارد. انسان اگر در جنگ و پیکار بین فطرت و طبیعت، بین ماده و معنا، بین روح و جسم، اگر جسم را مدیریت کرد و گفت گرسنه هستی من غذای تو را می‌رسانم، استراحت می‌خواهی من مانع استراحت تو نمی‌شوم اما تو می‌خواهی همه زندگی تو به خوردن و خوابیدن و پرخوری و ول‌گردی و امثال آن سپری شود، من راضی نمی‌شوم با تو کنار بیایم. لذا بین مصلحت انسان، کرامت انسانی، فطرت الهی در انسان و طبیعت‌گرایی وی، جنگ پیش می‌آید. وقتی انسان وارد جهاد می‌شود،





یکی از آن عرصه‌های جهاد این است که دل آدم می‌خواهد بخوابد، از هر راهی تأمین غذا کند و بخورد، از چشم خودش استفاده نامشروع کند، از جسم خودش استفاده نامشروع داشته باشد و...؛ در حالی که این‌ها همه امانت خدا در دست ما است. جسم ما مثل اسب ما است و روح ما باید بر این اسب مدیریت داشته باشد. این اسب اگر چموشی کرد، صاحب خودش را به زمین می‌کوبد و حیثیت او را بر باد می‌دهد اما اگر یک صاحبی اسب خودش را خوب مدیریت کند با این اسب می‌تواند قله‌های بلند پیروزی را فتح کند.

## نماز شب فرصت دستیابی به تقوا

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» (اسرا/ آیه ۹۷)، خدا

به ما نشان می‌دهد که عبادت واجب را برای همه آدم‌ها قرار داده است. نمازهای یومیه جزو واجبات است، خمس در شرایطی واجب می‌شود، وقتی موارد زکات به حد نصاب رسید واجب می‌شود، اما پشت سر همه این‌ها مستحبات قرار دارد. در کنار نمازهای واجب که خواندیم نافله‌ها هم هستند، نماز شب هم هست، زکات را که دادیم انفاقات مستحبه و صدقات مستحبه هم وجود دارد، حج خودت را که به جا آوردی عمره مستحبه هم می‌شود به جا آورد و همه این‌ها مستحبات است. آن که تقوای بیشتر می‌خواهد باید از فرصت مستحبات به خوبی استفاده کند. در این آیه فرمود «فتهجد به نافلة لك»، فتهجد یعنی خواب خودت را با بیداری بشکن، اراده داشته باش، به مبارزه



با راحت‌طلبی و خواب خودت قیام و جهاد کن و امیدوار باش که «عسی أن یبعثک ربک مقاما محموداً»، یعنی اگر می‌خواهی به جایی بررسی راه آن این است؛ یعنی سردار سلیمانی از این رموز، از این برنامه‌ها استفاده کرد و بهره برد. حافظ می‌گوید: هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ، از یمن دعای شب و ورد سحری بود. روایتی داریم که از شخصیت‌هایی همچون امام رضوان الله تعالی علیه و سردار سلیمانی رمزگشایی می‌کند. کارهای این عزیزان خیلی با عظمت بوده است. امام نقشه جهان را تغییر داد، مستکبران را به معنای واقعی کلمه خرد کرد، دست همه مستضعفان عالم را گرفت و سربلند کرد، شخصیت خودشان را به آن‌ها نشان داد، کرامت آن‌ها را احیا کرد. برای ما



سوال است چطور سردار سلیمانی توانست کشورهای اسلامی را نجات بدهد؟ یک سرباز دین چگونه اینقدر قدرت دارد؟ رسول گرامی اسلام می فرماید: «قال الله عز وجل يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ وَأَنَا أَسْرَعُ شَيْءٍ إِلَى نُصْرَةِ أَوْلِيَائِي وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي عَنْ وَفَاةِ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْغِنَى وَلَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ لَهَلَكَ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْفَقْرُ وَلَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ لَهَلَكَ وَمَا يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّىٰ أَحِبَّهُ فَإِذَا أَحَبَبْتُهُ كُنْتُ إِذَا سَمِعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَ



يَدُهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا إِنَّ دَعَائِي أَجَبْتُهُ وَإِنْ سَأَلَنِي  
أَعْطَيْتُهُ (اصول کافی ج ۲، ص ۳۵۲). هر کس ولیی  
از اولیاء من را مورد اهانت قرار بدهد خودش را  
برای جنگ با من مهیا کرده است، بعد فرمود  
«وَمَا تَقْرَبُ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ مَا  
افترضت علیه»، یعنی من آن چیزهایی که  
واجبات هستند را مسیر سریع السیر رسیدن به  
خودم قرار دادم؛ یعنی آن جاده‌ای که به سرعت  
آدم را به خدا می‌رساند واجب است. سپس  
فرمود: «وَأِنَّهُ وَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالْإِنْفَالَةِ» اما این  
بنده من می‌تواند از راه‌های دیگر هم استفاده  
کند؛ گویا راه‌های میانبر است. او وقتی به نافلة  
روی می‌آورد من کم کم دوستدار او می‌شوم.  
خدا می‌گوید من اهل نوافل را دوست دارم.  
نقل می‌کنند سردار سلیمانی علی‌رغم همه



خستگی‌ها که بر اثر جهاد متحمل می‌شد، امکان نداشت که شب‌هنگام با خدا خلوت نداشته باشد، این را همه کسانی که با او بودند بیان کردند.

خدا می‌گوید من وقتی یک نفر را دوست داشتم، با او چکار می‌کنم؟ «فإِذَا أَحْبَبْتَهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ»، من گوش او می‌شوم و او به وسیله من می‌شنود، «و بَصْرَهُ الَّذِي يَبْصُرُ بِهِ»، من چشم او می‌شوم و او بصیرت خدائی پیدا می‌کند، «و لِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ»، وقتی سخن می‌گوید سخن او تأثیر خدائی پیدا می‌کند و در دل‌ها نفوذ می‌کند. «و يَدَهُ الَّذِي يَبْطِشُ بِهَا» دست او دست قدرت خدائی می‌شود، ید الله می‌شود، «إِنْ دَعَانِي أَحْبَبْتَهُ» اگر از من بخواهد او را اجابت می‌کنم، «وَإِنْ سَأَلْنِي أُعْطِيْتَهُ» از من



هر درخواستی کند به او می‌دهم و «ما تردّدت عن شیء أنا فاعله کترددی عن ملک المؤمن یکره الموت و اگره مسائته». این حدیث خیلی کمک می‌کند به ما برای این که بفهمیم این تأثیرگذاری شگفت‌انگیز بزرگانی مثل امام خمینی و سردار سلیمانی از کجا پیدا شد.

## عظمت انسان های بزرگ در نگاه دشمن

نور جمال بندگان شایسته خدا به نحوی است که دشمن هم عظمت او را می‌بیند، در مقابل این عظمت احساس حقارت می‌کند. در باب امیرالمؤمنین علیه السلام بارها معاویه به عظمت شخصیت ایشان اعتراف می‌کرد، حتی به عقیل برادر امیرالمؤمنین می‌گفت که خاطرات امیرالمؤمنین را برای من بگو! بالاخره دشمن هم در مقابل عظمت و بزرگی شگفت‌زده می‌شود.



در حدیث از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام داریم که از پدرانشان نقل می‌کند تا سلسله سند می‌رسد به امام سجاد علیه السلام، سپس می‌فرماید از امام سجاد علیه السلام پرسیده شد و سؤال کردند «ما بال المتحجین باللیل من أحسن الناس وجهاً»، چه رمزی است که شب زنده داران و آن‌هایی که اهل نماز شب هستند از نظر ظاهر جاذبه عجیبی دارند؟ امام علیه السلام فرمود «لأنهم خلوا بالله»، برای این که این‌ها با خدا خلوت کردند. چرا امام خمینی اینقدر برای انسان‌ها جاذبه دارد که حتی دشمنانش او را اینطور می‌بینند؟ چون این‌ها با خدا خلوت کردند. «فكساهم الله من نوره» خدای متعال وجود این‌ها را نورانی کرد و کسوت و پوشش نور در جان آن‌ها قرار داد، در



چهره آن‌ها هم قرار داد، ظاهر و باطن آن‌ها نور شد. خدای متعال می‌فرماید: «وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَالَهُ مِنْ نُورٍ» (نور / آیه ۴۰) اگر کسی را خدا نورانی نکند، تاریک است، چرا که نور از ناحیه خداست. قرآن نور است، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نور هستند، نماز شب نور است، ذکر نور است. کسی اگر با این منابع نور ارتباط پیدا کرد و از این نورها چشمید و جذب وجود خودش کرد به مرور زمان نورانی می‌شود. سردار سلیمانی، ابومهدی و یاران شهید آن‌ها و همه شهدای دیگر همچون شهید حججی، شهدای مدافع حرم و شهدای استان خودمان هر کدام از آن‌ها یک پارچه نور بودند. همه می‌دانیم این‌ها خاص بودند، رمز آن‌ها چه بود؟ این‌ها قرآنی بودند، با محوریت

ولایت و امامت زندگی کردند، تابع رهبر بودند، با قرآن و نماز شب سرو سری داشتند، اهل ذکر بودند. درست است که در این دنیا زندگی می‌کردند اما برای جای دیگری بودند.

## راه دستیابی به انتقام خون سردار

اگر دشمن بتواند ایده‌های خودش را پیاده کند، شکی که ایجاد می‌کند در دل ما تأثیر بگذارد، دروغی که می‌گوید را ما تحویل بگیریم، ترسی که ایجاد می‌کند در چهره ما ترسیده شدن را ببیند، این‌ها کار را خراب می‌کند و دشمن را به هدف می‌رساند. یا چیزهایی بگوییم که دشمن خوشحال شود و به دشمن امید دهد، مثلاً حرف از فراندوم بزنیم در حالی که ملت ما فراندوم پشت فراندوم پشت سر گذاشتند. ۹ دی فراندوم جزو بزرگترین فراندوم‌های عالم بود که آن





گونه جمعیت در هر شهر و برزنی علیه فتنه‌گران و مجریان فتنه ابرقدرت‌ها خروشیدند. تشییع جنازه سردار سلیمانی، ابومهدی و یاران شهید آن‌ها بزرگترین رفراندوم عصر و نسل ما به حساب می‌آید. چه رفراندومی از این بزرگتر که رفراندوم نفرت علیه آمریکا بود.

این رفراندوم علیه غربزدگی و بی‌دینی بود. همه ملت در این رفراندوم بزرگ و با عظمت مشارکت کردند. من نمی‌دانم آن‌هایی که این حرف‌های شیطانی از زبان آن‌ها جاری می‌شود دنبال چه چیزی هستند؟! مگر چشمان شما رفراندوم را ندید؟ رفراندوم ما هشت سال دفاع مقدس بود، دفاع از حرم بود. وقتی مردم ما در همه این عرصه‌ها قیام کردند، جهان را شگفت‌زده کردند، نقشه‌های تبلیغاتی



دشمن را زیرپا گذاشتند، در حقیقت آمریکا را زیرپا گذاشتند؛ این یعنی رفراندوم! ما در این چهل سال رفراندوم‌های زیادی داشتیم اما این رفراندومی که از زبان غربزدگان بیان می‌شود شپور شیطان است و در راستای منویات استکباری صهیونیستی است. راه ملت و رفراندوم ملت با این چیزی که غربزدگان می‌گویند، خیلی فرق می‌کند. رفراندوم آن‌ها یعنی بیایید مغازه‌های مردم را آتش بزنید و برای مردم ناامنی ایجاد کنید! این رفراندوم نیست بلکه شیطنت و نفاق است.



## مناسبت‌های هفته

### سالروز شهادت سردار دلها

در این ایام در آستانه روز شهادت سردار رشید اسلام و یاران ایشان قرار گرفته‌ایم و امیدواریم که بتوانیم ادای دین کنیم. سردار سلیمانی شعائر الله است. مردم عزت و اقتدار خدائی را در سیر و سلوک و سیره و سنت او می‌بینند. مکتب سلیمانی در حقیقت بنیانگذار آن امام رضوان الله تعالی علیه، رهبر فرزانه انقلاب و مجری این مکتب علمدار انقلاب یعنی سردار سلیمانی بودند. ما از خدا می‌خواهیم که بتوانیم متأثر از او باشیم و بگوییم خداوند ما عمر کمی از تو نمی‌خواهیم چرا که عمر کیفی را در زندگی و شخصیت این مرد بزرگ دیدیم. خدایا ما هم از این عمرها می‌خواهیم؛ همان که به عباد



صالح خودت مثل سلیمانی‌ها دادی، ما این را از تو درخواست می‌کنیم.

## پیام امام به میخائیل گورباچف

میخائیل گورباچف آخرین رئیس جمهور شوروی بود که بعدها افسوس خورده بود ای کاش آن موقع که امام این پیام را برای من فرستاد من درک می‌کردم آنچه را که امام گفته است. امام پیش بینی کرد از این پس بایستی کمونیسم را در موزه‌ها پیدا کرد و آن را مطالعه کرد ولی او نکرد و در کمتر از یک سال بساط کمونیسم برچیده شد و واقعا به موزه رفت.

## ۱۷ دی روز کشف حجاب و دین ستیزی رضاخان

مرحوم آیت‌الله شالی رحمت‌الله تعالی علیه، از قول مرحوم میرزاهاشم قزوینی نقل می‌کند

که من از خود شیخ این را شنیدم، علت آن هم این بود علما ایشان را فرستاده بودند با شاه صحبت کند راجع به این که چرا کارهای خطرناک می‌کنی و راجع به کشف حجاب و ناهنجاری‌های دیگر با او صحبت کنند. به رضاخان می‌گوید من الان به تو می‌گویم این کشف حجاب شر و فساد است و ریشه تو را می‌سوزاند. رضاخان گفت راست می‌گویی آقا شیخ! یعنی حس کرده بود و همین اتفاق هم افتاد و ما شاهد این معنا بوده‌ایم.

والحمد لله رب العالمین...



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران